




(CC BY 4.0) Creative Commons Attribution 4.0 International License

 <https://doi.org/10.22067/PG.2023.80946.1197>

پژوهشی

جایگاه شمال آفریقا در گفتمان‌های ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر کشور لیبی

مرضیه هنری چوبر^۱ (دانش‌آموخته جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

marzieh.honarichoobar@gmail.com

مرتضی قورچی (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. نویسنده مسئول)

m_ghourchi@sbu.ac.ir

چکیده

منطقه شمال آفریقا و کشور لیبی از جمله مناطق جغرافیایی پیرامونی برای ایران هستند که جمهوری اسلامی ایران در آن سطحی از علایق ژئوپلیتیکی را دارا بوده است. این علایق ژئوپلیتیکی اما به واسطه فاصله جغرافیایی زیاد به صورت قابل توجهی با کنش ژئوپلیتیک ایران در منطقه همراه نبوده است. به بیان دیگر هرچند موقعیت راهبردی شمال آفریقا به مثابه یک مشوق سبب جلب توجه ایران به این منطقه شده است، اما محدودیت‌های جغرافیایی مانع از آن شده است که جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با سایر مناطق جغرافیایی پیرامونی حضور فعالی در این منطقه داشته باشد. با این وجود فقدان حضور ملموس ایران در این منطقه را نمی‌توان به صراحت به معنای بی‌اهمیت بودن منطقه شمال آفریقا برای گفتمان ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران دانست. همین موضوع باعث شده است که نویسندگان این پژوهش تلاش نمایند تا به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌ها باشد که منطقه شمال آفریقا و به ویژه کشور لیبی در گفتمان ژئوپلیتیکی ایران از چه جایگاهی برخوردار هستند و در طول زمان تغییرات احتمالی در گفتمان ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران نسبت به این منطقه چه بوده است؟ برای پاسخگویی به این پرسش در این مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵

^۱ مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد

گفتمان‌های ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در قبال لیبی در قالب ۵ دوره مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده آن است که از زمان شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر رویکرد آرمان‌گرایی و علایق رهبران سیاسی ایران برای همراه نمودن سایر حکومت‌های انقلابی سطحی از همراهی میان لیبی و ایران قابل مشاهده بوده است و این روند تا پایان دوره نخست (۱۳۶۸) ادامه داشته است. اما در دوره‌های بعدی تحت تأثیر گرایش نسبی بخشی از بدنه تصمیم‌ساز در سیاست خارجی ایران به سمت واقع‌گرایی نقش و اهمیت لیبی در گفتمان ژئوپلیتیکی ایران به مرور کاسته شده است. با این وجود تحت تأثیر برخی عوامل ژئوپلیتیکی و خیزش مجدد رویکردهای آرمان‌گرایانه و انقلابی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران لیبی در گفتمان ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران بخشی از اهمیت سابق خود را بازیافته است.

واژگان کلیدی: گفتمان‌های ژئوپلیتیکی، امر سیاسی، شمال آفریقا، لیبی

۱. مقدمه

گفتمان ژئوپلیتیکی را می‌توان محصول شکل‌گیری هویت دانست. به همین علت بر روی این نکته تأکید می‌شود که گفتمان ژئوپلیتیکی را باید در ارتباط با هویت کشور یا حکومتی که آن را پیگیری می‌کند تحلیل نمود (Oslender, 2020). در اینجا یک بخش مهم از گفتمان ژئوپلیتیکی برآمده از تعاریفی است که در چارچوب آن ما در برابر دیگری مشخص و متمایز می‌گردد و به همین علت زمینه را برای شکل‌گیری فضاها و فضاها را فراهم می‌کند (AhmadiPour & Rashidi, 2018: 23). به بیان دیگر، گفتمان ژئوپلیتیکی را باید به عنوان یک خط‌مشی ژئوپلیتیکی در نظر گرفت که در چارچوب آن کشورها تلاش می‌کنند مسیر حرکت سیاست خارجی خود را در قالب تصویرسازی‌های جغرافیایی و بازنمایی‌های ژئوپلیتیکی (AhmadiPour & Rashidi, 2020: 70) امری ضروری معرفی نمایند. به بیان دیگر، در چارچوب گفتمان‌های ژئوپلیتیکی شاهد بروز و ظهور مجموعه‌ای از کنش‌های بازنمایانه هستیم که در چارچوب آن‌ها مرزهای باریکی از بایدها و نبایدها کشیده شده است که تعیین می‌کنند در گفتمان از چه چیزهایی می‌توان

سخن گفت و از چه چیزهایی نباید پرده برداشت. در این زمینه میشل فوکو بر این باور بود که گفتمان محل تلاقی دانش و قدرت است؛ یعنی گفتمان‌ها تعیین می‌کنند شخص چه باید بگوید و چه نگوید (Salehizadeh, 2011:127). از منظر مکتب سازه‌انگاری اگر به مفهوم گفتمان ژئوپلیتیکی بنگریم متوجه یک ارتباط قابل توجه میان گفتمان‌های ژئوپلیتیکی و رویکردهای سیاسی جوامع خواهیم شد. در مکتب سازه‌انگاری به صورت ویژه بر روی این مفهوم تأکید می‌گردد که سیاست خارجی کشورها را باید یک برساخته اجتماعی دانست که در داخل جامعه و به تأسی از رویکردهای حاکم بر جوامع به وجود می‌آیند. در این فرآیند، با توجه به آنکه یک جامعه همواره در حال تغییر و دگرگونی است، می‌توان شاهد بروز تحولات مختلفی در زمینه شیوه نگرش اجتماع جامعه به موضوعات سیاسی و جهان پیرامون بود. به همین علت، سیاست خارجی کشورها تحت تأثیر تغییراتی که در نگرش سیاسی جامعه به وقوع می‌پیوندد در معرض تغییر خواهد بود و رهبران، تصمیم‌سازان و کارگزاران سیاست خارجی به تبعیت از جامعه‌ای که در آن رشد کرده‌اند و زندگی می‌کنند به اتخاذ رویکردهایی در سیاست خارجی کشور می‌پردازند که مبین نوع نگرش جامعه به جهان پیرامون است (Lombardo and Kantola, 2021: 46). این تغییر در نگرش به جهان پیرامون تحولاتی در نوع بازنمایی‌های ژئوپلیتیک و به تبع آن گفتمان‌های ژئوپلیتیکی به همراه خواهد داشت که تبلور و تأثیر آن را می‌توان در سیاست خارجی کشورها و البته نوع نگرش آنان نسبت به موضوعات، فضاها و جغرافیایی و رخداد‌های ژئوپلیتیکی مختلف مشاهده کرد. به این ترتیب می‌توان گفت که در هر کشوری گفتمان ژئوپلیتیکی منحصر به فردی وجود دارد که بازتاب جریان حاکم بر سیاست و جامعه آن کشور است.

می‌توان گفت در جمهوری اسلامی ایران، همانند هر کشور دیگری در جهان، یک گفتمان ژئوپلیتیکی حاکم است که منعکس‌کننده روح سیاست در جامعه ایرانی و نوع نگرش ساختار حاکمیت و البته جامعه به جهان، کشورهای دیگر و موضوعات متفاوت است. اهمیت این موضوع از منظر دانش جغرافیای سیاسی به قدری گسترده است که نویسندگان این مقاله را بر آن داشته است تا با استفاده از رویکردهای حاکم بر این رشته به بررسی گفتمان ژئوپلیتیکی جمهوری

اسلامی ایران بپردازند. به همین منظور، و با توجه به اهمیت استراتژیک منطقه شمال آفریقا و به خصوص کشور لیبی، در این مقاله تلاش خواهد شد تا به بررسی این نکته پرداخته شود که «منطقه شمال آفریقا و به ویژه کشور لیبی در گفتمان ژئوپلیتیکی ایران از چه جایگاهی برخوردار هستند و در طول زمان تغییرات احتمالی در گفتمان ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران نسبت به این منطقه چه بوده است؟»

۲. مبانی نظری پژوهش

گفتمان یک مفهوم چندبعدی است که طیف متنوعی از تعاریف را شامل می‌شود. باین وجود در تحلیل‌های ژئوپلیتیک از آن برای اشاره به ماهیت انگاره‌هایی استفاده می‌شود که از سوی قدرت‌ها برای بازنمایی کنش‌های آن‌ها در رقابت قدرت به کار گرفته می‌شود (Su & Huntington, 2023: 593). از این رو می‌توان گفت که کاربرد گفتمان از سوی یک قدرت سیاسی همواره نیازمند حضور واسطه‌هایی برای بازنمایی ژئوپلیتیکی باورها، اندیشه‌ها، تفسیرها، ارزش‌ها و اهدافی است که کنش یا پراکتیس ژئوپلیتیکی را امری ضروری، اجتناب‌ناپذیر و حتی اخلاقی جلوه دهند (Ahmadipour & Rashidi, 2020: 69-72). به این ترتیب می‌توان گفت یک گفتمان، به مجموعه‌ای از معناها، استعاره‌ها، بازنمایی‌ها، ایماژها، داستان‌ها و مواردی از این قبیل اشاره دارد که به شیوه خاصی در کنار یکدیگر قرار گرفته و یک نسخه بازنمایانه از یک رویداد یا مجموعه‌ای از رویدادها را خلق می‌کنند (Rezaeiapanah & Shokati, 2018: 248). این در کنار هم قرار گرفتن اجزای بازنمایانه گفتمان ژئوپلیتیکی (Claessen, 2023: 84) باعث پیدایش امری می‌شود که در ژئوپلیتیک انتقادی از آن با عنوان روایت ژئوپلیتیکی^۱ (Rashidi et al, 2020: 82) یاد می‌شود. در اینجا هر روایت ژئوپلیتیکی با توجه به آنکه در یک گفتمان خاص خلق می‌شود از یک هویت منحصر به فرد برخوردار می‌گردد و زمینه را برای شکل‌گیری مجموعه‌ای از روایت‌های ژئوپلیتیک خلق می‌کند که در قالب موارد با یکدیگر در تعارض قرار می‌گیرند (Rashidi et al, 2020: 82). همین تعارض در

¹ Geopolitical Narrative

روایت‌ها و بازنمایی‌های ژئوپلیتیکی باعث پیچیده‌تر شدن فرآیند ادراک ژئوپلیتیکی رخداد می‌شود. بنابراین با توجه به آنکه هر روایتی از ژئوپلیتیک، درون گفتمان خاص خودش قابل تحلیل است. وظیفه ژئوپلیتیسین‌ها نیز کشف و برملا سازی نقش زبان در فرآیند سلطه اقویا بر ضعفا با بهره‌گیری از شناسایی گفتمان مسلط است (Aziz zadeh et al, 2022: 6).

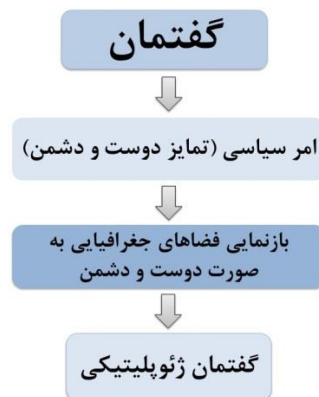
کشف و ادراک این تعارض‌ها به یاری نظریه گفتمان میسر می‌گردد. نظریه گفتمان به بررسی نقش عقاید و اعمال اجتماعی معنادار در زندگی سیاسی می‌پردازد. روش‌هایی که گفتمان‌ها یا نظام‌های معنایی را که باعث آگاهی مردم از نقش‌هایش در جامعه می‌شود توسط این نظریه بررسی و تجزیه تحلیل می‌شود. همچنین این نظریه به تأثیرگذاری گفتمان‌ها بر فعالیت سیاسی می‌پردازد. گفتمان‌ها را نباید هم‌سنگ و معادل ایدئولوژی یا اعمال اجتماعی سازمان‌یافته پنداشت (Howarth, 1998:156). گفتمان یک عمل اجتماعی محسوب می‌شود که از طریق آن دنیای اجتماعی شکل پیدا می‌کند. بنابراین باید همان‌گونه که ارنستو لاکلائو شانتال موفه اشاره کرده‌اند باید در نظریه گفتمان حوزه‌های اجتماعی را به‌عنوان شبکه‌ای از فرآیندها در نظر گرفت که معنا در بطن آن‌ها خلق می‌شود (Jorgensen & Phillips, 2002:25). به این ترتیب در ارائه یک تحلیل ژئوپلیتیک از گفتمان‌های ژئوپلیتیکی امتزاج سازه‌نگاری و تحلیل گفتمان می‌تواند به همان ترتیب که امری اجتناب‌ناپذیر است، رویکردی مفید در نظر گرفته شود که به محقق اجازه می‌دهد تا با تحلیل موشکافانه از ماهیت بازنمایی‌های ژئوپلیتیکی و تصویرسازی‌های جغرافیایی گفتمان ژئوپلیتیکی کشورها پرده بردارد (Ahmadipour & Rashidi, 2020:80).

در اینجا، رویکردهای حاکم بر ژئوپلیتیک انتقادی مفید خواهد بود. همان‌گونه که اشاره شد در تحلیل بازنمایی ژئوپلیتیک یکی از وظایف جغرافیدان افشاگری در مورد معانی و کارکرد بازنمایی‌های ژئوپلیتیک است. در بازنمایی ژئوپلیتیک یک بخش مهم از فرآیند دستیابی به اهداف به یاری بازنمایی‌هایی صورت می‌پذیرد که در قالب آن‌ها با تصویرسازی جغرافیایی از جهان پیرامون و قرار دادن ما در برابر دیگری، تقسیم فضا به فضاهای ما و دیگری (Rashidi et al, 2020:83) و درنهایت خلق فضاهای ترس (AdiPour & Rashidi, 2018:49) معانی و تصویر بازنمایانه جهان دستخوش

تغییراتی می‌شود که در یک گفتمان ژئوپلیتیکی مدنظر است. به عبارت دیگر، در اینجا گفتمان به تثبیت معنا و تفسیری کمک می‌کند که نه تنها در یک قلمرو خاص قرار می‌گیرد، بلکه در چارچوب یک امر سیاسی ارائه و تثبیت آن‌ها در راستای اهداف قدرتی است که از بازنمایی برای گسترش گفتمان خودیاری می‌گیرد. در اینجا، تعریف امر سیاسی تنها با کشف و تبیین معقولات صرف سیاسی حاصل می‌شود. در تقابل با تلاش‌های گوناگون به نسبت مستقل اندیشه و عمل انسانی، به‌ویژه امور اخلاقی، زیبایی‌شناسانه و اقتصادی، امر سیاسی معیارهای خاص خود را دارد که خود را با شیوه‌ای خاص بروز می‌دهد. از این‌رو امر سیاسی باید بر پایه‌ی تمایزات اساسی خود قرار گیرد، که نسبت به آن هر عملی به معنای خاص سیاسی را بتوان شناسایی کرد. تمایز ویژه‌ی سیاسی که اعمال و انگیزه‌های سیاسی را بتوان به آن فروکاست، تمایز میان دوست و دشمن است. به این ترتیب، مفاهیم دوست و دشمن در معنای انضمامی وجودی آن درک می‌شوند نه همچون استعاره‌ها یا نمادها (Echmidt, 2017: 50-56). همچنین امر سیاسی در برجسته‌سازی یا به حاشیه راندن ارتباط بین کشورها به عنوان کشورهای دوست یا دشمن در فضاهای فراملی ایفای نقش می‌کند، گفتمان‌های سیاسی معیارهایی مؤثر و تعیین‌کننده درک و پیش‌بینی الگوهای رفتاری کشورها محسوب می‌شوند. کشورها از ابزارهای جغرافیایی علیه یکدیگر نیز استفاده می‌کنند به این صورت که عوامل جغرافیایی ثابت و متغیر خود را علیه کشور دیگر به کار می‌گیرند و آن کشور را منفعل ساخته و اهداف و خواسته‌های خود را بر بازیگران آن کشور تحمیل می‌سازند. به این ترتیب کنش ژئوپلیتیکی با گفتمان ژئوپلیتیکی پیوند می‌یابد (Moradi & Afzali, 2013:11). در اینجا از منظر ژئوپلیتیک، گفتمان‌ها اشکالی از تفکرات و اندیشه‌های مورداستفاده در سیاست بین‌المللی هستند که برای توجیه کاربرد قدرت یا اقدامات ژئوپلیتیک در محیط بین‌الملل به کار گرفته می‌شوند. گفتمان ژئوپلیتیکی نظام‌های فرهنگی و تبیینی سیاسی را در جهت هدف خودسازمان‌دهی می‌کند و از طریق بازنمایی‌های ژئوپلیتیکی اقدامات رهبران سیاسی را در نزد افکار عمومی توجیه نموده و مشروع جلوه می‌دهد (Kurecic, 2008: 6-10). به عبارت دیگر، گفتمان تثبیت معنا درون یک قلمرو خاص است یکک گفتمان از طریق تثبیت نسبی معنا اطراف گره‌گاه‌های خاص شکل می‌گیرد. گره

گاه نشانه ممتازی هستند که سایر نشانه‌ها حول آن منظم می‌شوند؛ سایر نشانه‌ها معنای خود را از رابطه‌شان با گره‌گاه اخذ می‌کنند. بنابراین، گفتمان کلیتی است که در آن هر نشانه‌ای در قالب یک بعد و به واسطه رابطه‌اش با سایر نشانه‌ها تثبیت شده است. در این فرآیند شاهد حضور پیوسته معانی موافق و حذف معانی ناسازگار با گفتمان خواهیم بود. به این ترتیب، گفتمان عبارت است از تقلیل حالت‌های ممکن به حالت مطلوب (De Vos, 2003:165).

در اینجا تلاش برای تثبیت حالت مطلوب معانی در گفتمان ژئوپلیتیکی از نظر کارکرد درست در راستای کنش‌های ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد. اگر این حقیقت را که ژئوپلیتیک به دنبال کاربرد عوامل جغرافیایی برای کسب قدرت و استیلا بر دیگران است (Alamdard & Kolae, 2021:143) را قبول داشته باشیم، آنگاه گفتمان ژئوپلیتیک یک نظام خودساخته معنایی برای مواجهه جلوه دادن اقدامات ژئوپلیتیکی خواهد بود که به یاری بازنمایی‌های ژئوپلیتیکی محقق می‌گردد که در قالب آن‌ها به ایجاد مرزهای فضایی، سیاسی و فرهنگی برای جدا کردن فضای داخلی تحت عنوان فضاهای ما، از فضاهای تهدیدکننده دشمن یا فضاهای دیگری پرداخته می‌شود (Dalby, 1990:173). بنابراین باید اذعان کرد گفتمان ژئوپلیتیکی نقشی مهم در کنترل و مدیریت فضا، پیگیری و ایجاد نظم ژئوپلیتیکی و کنش فضایی دارد (Agnew & Corbridge, 1995: 63).



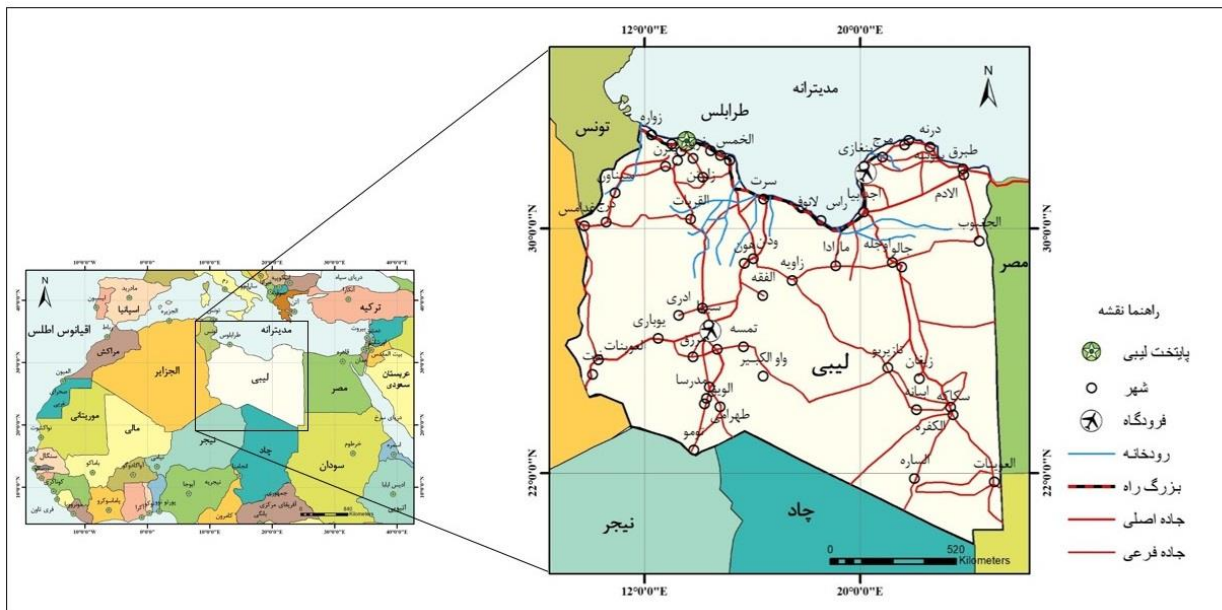
شکل ۱. امر سیاسی، تمایز دوست و دشمن

۳. محیط‌شناسی پژوهش

شمال آفریقا یک منطقه جغرافیایی در حدفاصل کانال سوئز در شرق و سواحل شرقی اقیانوس اطلس در غرب آفریقا است که طبق تقسیم‌بندی سازمان ملل متحد شامل کشورهای مراکش، الجزایر، تونس، لیبی، مصر، سودان و صحرانی غربی می‌گردد (Unstats.un.org, 2023). اما، در تعریف اتحادیه آفریقا از شمال آفریقا کشور سودان شمالی از این تقسیم‌بندی حذف شده است (Au.int, 2018). مساحت این پهنه جغرافیایی بیش از ۷ میلیون و ۹۱۳ هزار کیلومتر مربع است که جمعیتی بالغ بر ۲۲۵.۶ میلیون شهروند را در خود جای داده است (Un.org, 2023). کشور لیبی با مساحت ۱.۷ میلیون نفر دومین کشور وسیع در شمال آفریقا و با ۷ میلیون نفر جمعیت کم‌جمعیت‌ترین کشور این منطقه است (Un.org, 2023). تولید ناخالص داخلی لیبی بر پایه قدرت خرید معادل ۱۵۶ میلیارد دلار، تولید ناخالص داخلی اسمی ۴۳.۷ میلیارد دلار، درآمد سرانه ۶۳۹۱ دلار و شاخص توسعه انسانی ۰.۷۱۸ است (IMF.org, 2022).

لیبی به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی از گذشته‌های دور همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. علاوه بر این لیبی یکی از بزرگ‌ترین ذخایر نفت خام جهان را دارد. منابع عظیم نفت خام، موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد در شمال آفریقا و نزدیکی به سواحل ایتالیا در اروپا در کنار همبستگی تاریخی لیبی با مبارزات مردم فلسطین باعث اهمیت یافتن لیبی در معادلات ژئوپلیتیکی شمال آفریقا و خاورمیانه شده است (Pourqioumi, 2015:150). افزون بر این باید توجه داشت که لیبی به دلیل درآمدهای سرشار نفتی قادر است بدون وابستگی به اقتصاد و حمایت‌های کشورهای غربی - عربی روی پای خود بایستد. در شرایطی که عمده کشورهای عربی به دلیل نیازهای امنیتی یا اقتصادی به غرب تکیه کرده‌اند، لیبی می‌تواند بدون وابستگی اقتصادی و خارج از تهدیدهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، کشوری مستقل باشد (Nourizadeh and Goodarzi, 2021:110). این ویژگی‌ها یکی از عوامل مهمی بوده است که بعد از شکل‌گیری انقلاب اسلامی نه تنها زمینه‌ساز توسعه روابط میان لیبی و ایران شد، بلکه فرصت آن را پدید آورد تا جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ ۸ ساله با عراق از حمایت‌های نظامی و فنی این کشور برای مقابله با ارتش اعراب

بهره‌مند شود و به این ترتیب روابط خارجی با این کشور به یک موضوع پراهمیت برای سیاست خارجی ایران مبدل شود.



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی کشور لیبی

۴. روش‌شناسی تحقیق

موضوع انتخاب‌شده این پژوهش را در زمره تحقیقات کاربردی قرار می‌دهد. از نظر روش‌شناسی نیز پژوهش حاضر را می‌توان یک پژوهش کیفی دانست که تلاش دارد با استفاده از روش تحقیق کیفی به تحلیل گفتمان ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در مورد لیبی بپردازد. به همین منظور تلاش خواهد شد تا با استفاده از روش تحلیل گفتمان و به یاری رویکرد انتقادی به بررسی موضوع پژوهش پرداخته شود.

۵. پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های که پیش‌ازاین در سه حوزه ژئوپلیتیک، جغرافیای سیاسی شمال آفریقا و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از سوی محققان مختلف انجام شده است نشان‌دهنده آن است که هرچند هرکدام از این موضوعات به‌عنوان سوژه مستقل پژوهش موردتوجه پژوهشگران ایرانی و خارجی قرار گرفته است، اما تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی انجام نگرفته است که تمرکز آن بر روی گفتمان ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی در منطقه شمال آفریقا باشد. لذا در اینجا تلاش خواهد شد تا به‌صورت خلاصه به یافته‌های تعدادی از تحقیقات که یکی از جنبه‌های این پژوهش را در بر گرفته است پرداخته شود.

علی‌اکبر جعفری و دیان جانباز (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «تنوع گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وجه دیپلماسی نوین هسته‌ای» تلاش داشته‌اند تا با تمرکز بر سه دوره مختلف از دوران حکومت جمهوری اسلامی به تحلیل گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی ایران بپردازند. یافته‌های نویسندگان این مقاله نشان‌دهنده آن است که در دوره‌های مختلف حکومت جمهوری اسلامی ایران شاهد قدرت‌گیری دو گفتمان آرمان‌گرایی واقع‌گرایی هستیم. درحالی‌که در گفتمان آرمان‌گرایی تلاش شده است تا با تأسی از شعارها و اهداف انقلاب اسلامی ایران به پیگیری یک سیاست خارجی انقلابی پرداخته شود، در گفتمان واقع‌گرایی بیشتر تلاش شده است تا با ادراک ماهیت حاکم بر سیاست بین‌الملل و پیگیری سیاست تنش‌زدایی از شدت بحران‌های حاکم بر سیاست خارجی ایران کاسته شود. بااین‌وجود یک نگرش و تحلیل کلی در زمینه گفتمان سیاست خارجی نشان‌دهنده آن است که همچنان وجه آرمان‌گرایی بر بعد واقع‌گرایی در سیاست خارجی ایران می‌چربد.

علی‌آزرمی (۲۰۲۱) در پژوهش خود که با عنوان «تبیین سیاست خارجی در نظریه نظام انقلابی از منظر تحلیل گفتمان» منتشر شده است به بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست خارجی ایران پرداخته است. به باور این نویسنده با وقوع انقلاب اسلامی شاهد یک تحول بنیادین در پارادایم سیاست خارجی ایران هستیم که در چارچوب آن گفتمان سیاست خارجی ایران در راستای یک

نظم انقلابی و مبتنی بر هویت اسلامی و انقلابی مورد پیگیری قرار گرفته است. به باور این نویسنده آنچه از آن با عنوان آرمان‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یاد می‌شود درست نیست، بلکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در همه ادوار باید یک سیاست خارجی فعال و عمل‌گرایانه دانست که همواره تلاش داشته است بر پایه عناصر بینا گفتمانی و بینا متنی فقه سیاسی شیعه و مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل نماید. به بیان دیگر، به باور این نویسنده سیاست خارجی ایران انقلابی است و همین انقلابی‌گری نقطه عزیمت جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد یک گفتمان جدید در سیاست خارجی جهان است که در چارچوب آن برای ایجاد تغییری و نفی سلطه بر جهان تأکید می‌گردد.

رضا سلیمانی (۲۰۲۲) در مقاله‌ای به نام تحلیل گفتمانی سیاست خارجی دولت سیزدهم تلاش داشته است تا به بررسی گفتمانی پردازد که از سال ۲۰۲۱ میلادی و با روی کار آمدن ابراهیم رئیسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیگیری شده است. به باور این نویسنده بروز تغییر و تحول بخشی ذاتی از ماهیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که در دوره‌های مختلف شاهد آن بوده‌ایم. در همین چارچوب با روی کار آمدن دولت ابراهیم رئیسی به باور رضا سلیمانی شاهد یک «سیاست خارجی انقلابی عمل‌گرا» در حکومت ایران هستیم که در آن بر روی چند جانبه‌گرایی عدالت محور مثابه نقطه کانونی گفتمان ریاست خارجی تمرکز شده است. در چارچوب این سیاست خارجی ایران تلاش داشته است از طریق دو مکانیسم استراتژی نگاه به شرق و سیاست همسایگی و همچنین راهبرد مقاومت به پیشبرد یک نظام بین‌الملل عادلانه مبتنی بر چندجانبه‌گرایی پردازد.

۶. یافته‌های پژوهش

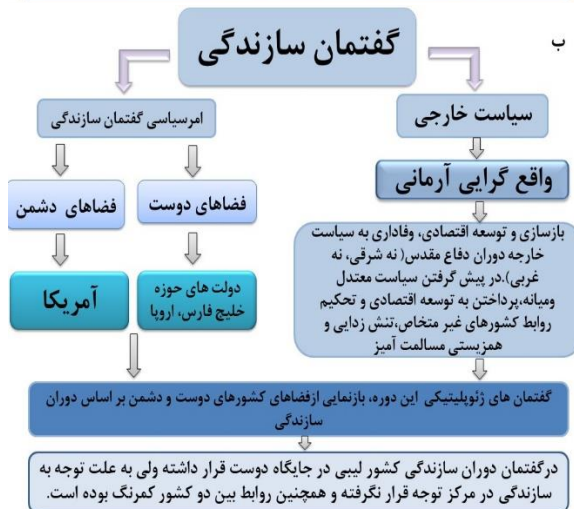
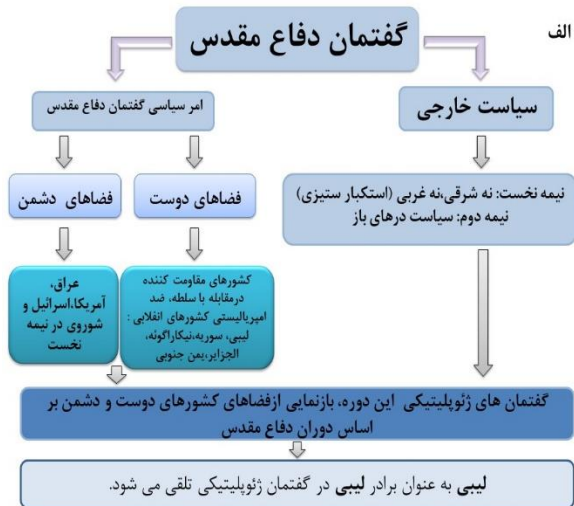
۶.۱. گفتمان ژئوپلیتیکی ایران (۱۳۵۷-۱۳۶۸)

با روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ شاهد بروز یک تغییر اساسی در سیاست خارجی ایران هستیم که در آن تلاش شده است تا با نفی سلطه یک موقعیت و جایگاه

مستقل برای ایران در نظام جهانی ایجاد شود. در این دوره که با شعار نه شرقی و نه غربی آغاز شد، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گفتمان استقلال از هر دو بلوک شرق و غرب و توسعه روابط با کشورهای انقلابی و مخالف آمریکا را در دستور کار خود قرار داد (Azarmi, 2021:66). یکی از کشورهایی که در این دوره به عنوان یکی از متحدان استراتژیک ایران مطرح گردید کشور لیبی بود که در کنار کشورهایی نظیر کوبا، سوریه، نیکاراگوئه الجزایر و یمن به عنوان حکومت‌های انقلابی در سیاست خارجی ایران طبقه‌بندی می‌شد. حکومت لیبی به رهبری معمر قذافی یکی از نخستین کشورهای جهان بود که جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت و در طول جنگ ایران و عراق با ارائه تسلیحات به حمایت از ایران پرداخت (Firouzabadi, 2017:360).

۶.۲. گفتمان ژئوپلیتیکی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۶)

با پایان جنگ ایران و عراق و ضرورت بازسازی کشور و جبران خساراتی که به زیرساخت‌های اقتصادی ایران وارد شده بود دولت وقت به ریاست اکبرهاشمی تمرکز خود را بر روی سیاست توسعه اقتصادی قرار داد و تلاش نمود تا با پیگیری عادی‌سازی روابط با همسایگان و کشورهای دیگر فرآیند بازسازی اقتصادی کشور را از طریق جذب منابع مالی خارجی تسهیل نماید. پیگیری این روند باعث گردید که به آرامی یک رویکرد واقع‌گرایانه بر سیاست خارجی ایران حاکم شود و در آن بیشتر تمرکز بر توسعه روابط با کشورهایی گذاشته شود که ظرفیت مناسبی برای تسهیل توسعه اقتصادی ایران داشتند. به همین علت برخلاف دوره نخست که تمرکز زیادی بر گسترش روابط با دولت‌های انقلابی نظیر لیبی داشت، این بار این سیاست تنش‌زدایی با همسایگان در دستور کار سیاست خارجی ایران قرار گرفت. در چارچوب این فرآیند به آرامی سطح روابط دوجانبه ایران و لیبی به امور سیاسی محدود شد. هم‌زمان در سال ۱۳۷۰ ایران و عربستان سفارت-خانه‌های خود را به صورت متقابل بازگشایی کردند (Moein-al-Dini & Entezarmahdi, 2009:193-196).



شکل ۳. الف. گفتمان ایران در دوران دفاع مقدس (۱۳۵۷-۱۳۶۸) ب. گفتمان ایران در دوران دولت

سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)

۶.۳. گفتمان ژئوپلیتیکی ایران از (۱۳۷۶-۱۳۸۴)

با انتخاب سید محمد خاتمی به عنوان رئیس‌جمهور در خرداد سال ۱۳۷۶ سیاست خارجی کشور ایران وارد مرحله نوینی شد. اولویت‌های سیاست خارجه ایران به ترتیب چنین بود: ۱- توسعه سیاسی در داخل؛ ۲- صلح گرایی؛ ۳- تنش‌زدایی؛ ۴- اعتمادسازی؛ ۵- گفت‌وگو چند جانبه‌گرایی گفتمانی (تحت عنوان گفتگوی تمدن‌ها). علاوه بر موارد ذکرشده، تأکید بر توسعه‌گرایی سیاسی - فرهنگی نیز در برنامه‌های دولت اصلاح‌طلبی وجود داشت. نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها را سید محمد خاتمی در پاسخ به نظریه برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون در هشتمین نشست سران کنفرانس اسلامی در تهران در ۱۸، آذرماه ۱۳۷۶ مطرح نمود و این طرح سپس در ۱۳ آبان ماه ۱۳۷۷ در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح شد. مجمع عمومی نیز به اتفاق آرا سال ۲۰۰۱ را به عنوان سال گفت‌وگوی تمدن‌ها نام‌گذاری کرد. این امر به معنای پذیرش نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها از سوی جامعه بین‌الملل بود که از وجهه و اعتبار بین‌المللی جمهوری اسلامی حکایت داشت (Firouzabadi, 2017:451). در این دوره در چارچوب یک رویکرد واقع‌گرایانه به سیاست بین‌الملل، دولت وقت به تنش‌زدایی در سیاست خارجی ادامه داد و تلاش نمود تا با عادی‌سازی روابط با همه کشورهای جهان زمینه را برای کاهش انزوای بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران فراهم نماید. در این دولت در چارچوب یک رویکرد توسعه محور، دولت محمد خاتمی ادامه تنش‌زدایی در روابط ایران و کشورهای عرب منطقه و همچنین بازسازی روابط با کشورهای اروپایی را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داد (Jafari & Dian, 2016:98).

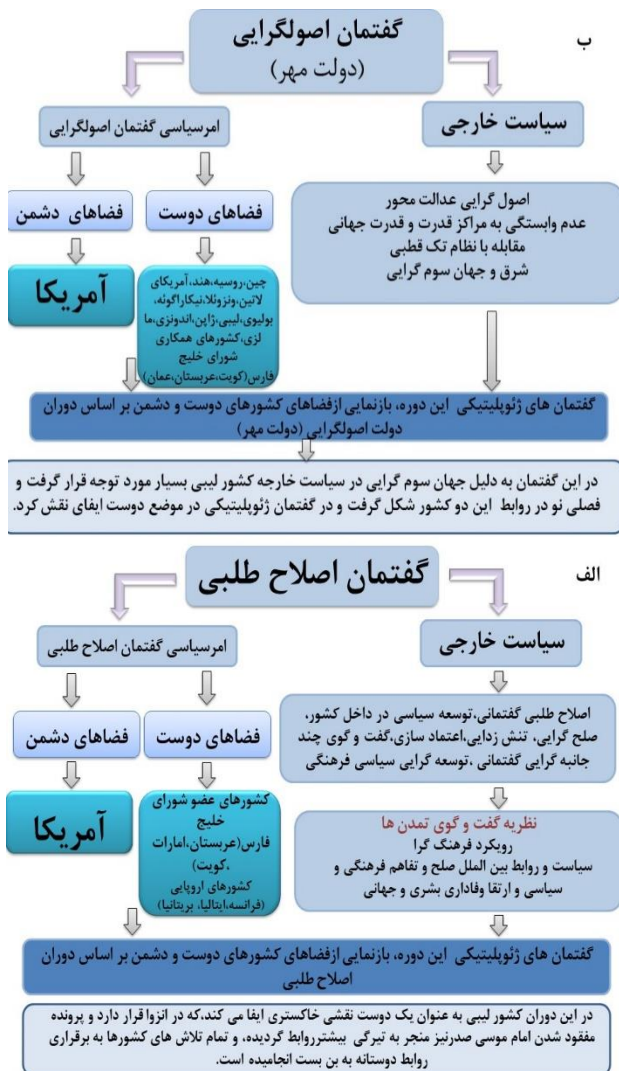
در این دوره روابط سیاسی دو کشور در بالاترین سطح برقرار بود. محمد خاتمی سالگرد پیروزی انقلاب لیبی را در یکم سپتامبر ۱۹۹۸ تبریک گفت و محمدعلی ابطحی (رئیس دفتر جمهوری اسلامی ایران) را برای ابلاغ پیام دولت ایران به طرابلس اعزام کرد (Irna.ir, 2000). در کنار این روابط دوستانه یک حس بی‌اعتمادی در نتیجه عدم تعیین سرنوشت امام موسی صدر میان ایران و لیبی وجود داشت که نشان از شکننده بودن روابط دوستانه دو کشور در این دوره داشت. در این زمینه محمد خاتمی ربوده شدن امام موسی صدر را یک توطئه عظیم خواننده و خواستار پیگیری

سرنوشت امام موسی شده و ادامه داد که دو کشور گام‌های مثبتی روبه‌جلو برداشته‌اند ولی پرونده مفقود شدن امام موسی صدر مانع ادامه مسیر می‌شود (Irna.ir,2000).

۶.۴. گفتمان ژئوپلیتیکی ایران از (۱۳۸۴-۱۳۹۲)

در سال ۱۳۸۴ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر روی کار آمدن محمود احمدی-نژاد یک تحول قابل‌توجه را شاهد بود. در چارچوب این تحول سیاست خارجی مبتنی بر تنش-زدایی کنار گذاشته شد و در مقابل یک رویکرد آرمان‌گرایانه موردتوجه قرار گرفت که بنا به اظهار مقامات ایران مبتنی بر عدالت‌محوری در سیاست جهانی بود. در این راستا منوچهر متکی، وزیر امور خارجه وقت اعلام کرد سیاست خارجی دولت نهم تقویت گفتمان مبتنی بر عدالت‌محوری، پذیرش حق برابر کشورها در نقش‌آفرینی آنان در ایجاد نظام نوین و عدالت‌مدار جهانی است؛ در نتیجه جمهوری اسلامی ایران علاقه‌مند است که با کمک کشورهای همسو پرچم‌دار حرکت در مسیر تحقق عدالت بین‌المللی گردد (Firouzabadi, 2017:518). اما واقعیت آن بود که گفتمان ژئوپلیتیکی ایران نمی‌توانست بسیاری از کشورها را به سمت خود جذب کند و در این فرآیند حتی سطح روابط میان ایران و متحد استراتژیک این کشور در دهه ۱۹۸۰ میلادی، یعنی لیبی، به‌سرعت در حال سرد شدن بود. از زمان روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد در ایران تا انقلاب لیبی در فوریه سال ۲۰۱۱ میلادی روابط دو کشور بالاترین سطح ادامه یافت. اما در فوریه ۲۰۱۱ میلادی و با گسترش اعتراضات مردمی در شهرهای طرابلس و بنغازی، لیبی هم پس از کشورهای تونس و مصر وارد فصل جدیدی از تاریخ خود شد (Ajili & Chadori, 2014:154). این اعتراضات از جمله نخستین اعتراضات و تجمعات سراسری در لیبی پس از کودتای معمر قذافی در ۱۹۶۹ بود. این اعتراضات به‌سرعت به شکل‌گیری یک جنگ داخلی در لیبی منجر شد که در نهایت با مرگ معمر قذافی و سقوط حکومت چهل‌ساله او پایان یافت (Alaei, 2012:133). در این دوره، به سبب روند تنش‌زدایی در روابط لیبی و غرب و دست کشیدن این کشور از تلاش برای دستیابی به فناوری هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران با نگاه بی‌اعتمادی به لیبی می‌نگریست (Soroush and

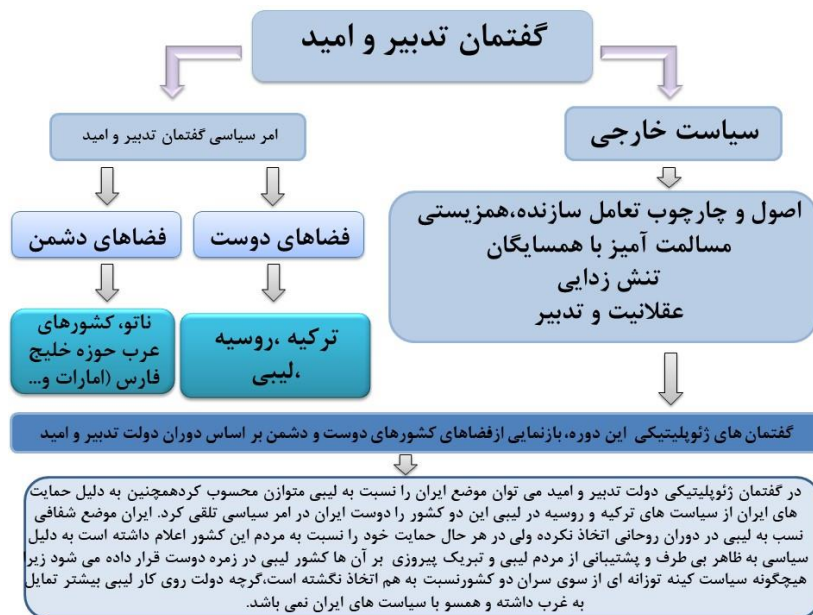
Asgharian, 2011: 146-147). این روند در ادامه با فروپاشی دولت مرکزی لیبی و کاهش نفوذ ایران در لیبی تشدید و ادامه یافت.



شکل ۴ الف. گفتمان ژئوپلیتیکی ایران در دوران دولت اصلاح طلب (۱۳۷۶-۱۳۸۴)؛ و ب: دوران دولت اصولگرا (۱۳۸۴-۱۳۹۲)

۵-۵. گفتمان ژئوپلیتیکی ایران از (۱۳۹۲-۱۴۰۰)

سیاست تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز در دوران دولت توسعه‌گرا مورد توجه بود. در دوران روحانی طرح مذاکره با آمریکا و مسئله برجام و توافق هسته‌ای به پررنگ‌ترین مسئله در سیاست خارجی دولت بدل گشت. سیاست خارجی ایران در این دوره بار دیگر بر حول تنش‌زدایی و بهبود روابط با جهان پیرامون قوام یافت و هم‌زمان دیپلماسی چندجانبه نیز در دستور کار قرار گرفت. همین روند باعث گردید که در تیم سیاست خارجی دولت وقت توجه به کشورهای آفریقایی بار دیگر افزایش یابد و ایران تلاش نماید تا با توسعه روابط با این کشورها بر دامنه و تعداد دوستان خود در جهان بیافزاید (Sarkhil, & Mohammadi Fard, 2018:11). چنانکه در محمدجواد ظریف در مراسم روز آفریقا به جنبش‌های استعمارزدایی در آفریقا اظهار داشت ایران به دنبال توسعه و گسترش روابط اقتصادی با کشورهای آفریقایی است (akharinkhabar.ir, 2015). با این وجود شواهد نشان‌دهنده آن است که به سبب حضور گسترده غرب در لیبی، فروپاشی دولت مرکزی، فقدان زمینه همکاری و حضور ژئوپلیتیک سطح توجه و علایق ژئوپلیتیکی ایران در کشور لیبی پایین ماند و همین مسئله ظاهراً باعث گردیده است که لیبی از حوزه اولویت‌های سیاست خارجی ایران خارج شود.



شکل ۵ گفتمان ژئوپلیتیکی ایران در دوران دولت تدبیر و امید، از سال (۱۳۹۲-۱۴۰۰)

امروزه اغلب قدرت‌های جهان به دنبال قلمروسازی و دسترسی به فضایی فراتر از قلمروی خود و بسط هژمونی در راستای مطلوب موردنظر خود هستند، تا بتوانند منافعیشان را از طریق گفتمان‌های ژئوپلیتیکی تعمیق کنند از این رو است که امر سیاسی در رابطه تنگاتنگ با جغرافیا قرار دارد. امر سیاسی از طریق تبیین معقولات سیاسی در کنش‌های مربوط به دولت‌ها دست به تمایز دوست و دشمن زده و در نهایت منجر به تثبیت گفتمان مسلط می‌شود. منطقه شمال آفریقا از جمله مناطقی است که از لحاظ قرار گرفتن بین حوزه تمدن غرب و اسلام، تمدن خاص خود را شکل داده و به دلیل تاخت و تاز کشورهای استعمارگر در منطقه قاره آفریقا روحیه ضد استعماری در خود به وجود آورده است و از سویی ظرفیت‌های بی‌نهایت کشورهای شمال آفریقا به این منطقه موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک خاصی بخشیده است در این میان کشور لیبی را می‌توان دلیل نفوذ اسلام از یک سو و طمع کشورهای غربی به آن به دلیل منابع مهم با دسترسی آسان از مهم‌ترین و شاخص‌ترین کشورهای شمال آفریقا نام برد. این کشور دارای دو مؤلفه مهم و قابل توجه در عرصه

بین‌الملل است. یکی موقعیت جغرافیایی مناسب این کشور نسبت به دریای مدیترانه و کشورهای اتحادیه اروپا و دیگری حضور لیبی در بین ده کشور تولیدکننده نفت دنیا که کیفیت مطلوب نفت این کشور همواره برای شرکت‌های بزرگ نفتی جهان حائز اهمیت است. وجود نفت و موقعیت مناسب این کشور نسبت به کشورهای اتحادیه اروپا همواره باعث شده است در سیاست عرصه بین‌الملل اغلب کشورها نگاه ویژه‌ای به این کشور در میان کشورهای حوزه شمال آفریقا داشته باشند.

اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بخصوص بعد از انقلاب اسلامی دچار تحول گردیده و پیروزی انقلاب اسلامی، کشور ایران را به‌عنوان الگویی اسلامی به جهان معرفی کرد و همچنین بیش از نیمی از جمعیت کشورهای شمال آفریقا را مسلمانان تشکیل می‌دهند. در دوران دفاع مقدس (۱۳۵۷-۱۳۶۸)؛ جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ام‌القری سرزمین‌های اسلامی مورد توجه قرار گرفت، که کشور لیبی از اولین حامیان کشور ایران بوده و کمک‌های تسلیحاتی لیبی به ایران نیز بیانگر انقلابی‌گری معمر قذافی بود. گفتمان سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)، که بازسازی اقتصادی - دفاعی را اولویت سیاست خارجی خود قرار داد و از سویی روابط کشور ایران و لیبی بر سر جریان ناپدید شدن امام موسی صدر به تیرگی گرایید و در گفتمان اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴)؛ که در روابط بین‌الملل توجه به ملت‌ها را اولویت سیاست خارجی خود قرار داد، نیز رویکرد فرهنگی را جایگزین رویکرد اقتصادی دولت سازندگی کرده و گفتمان اصولگرا (۱۳۸۴-۱۳۹۲) در این گفتمان سفرهای رئیس‌جمهور وقت ایران به آفریقا صورت گرفته و آغاز سفرهای دوجانبه ایران و لیبی که هدف گسترش روابط بین تهران و طرابلس و نزدیکی کشورهای مسلمان بود که منجر به روابط دوستانه می‌گردید و در ادامه گفتمان تدبیر و امید (۱۳۹۲-۱۴۰۰) که بیشترین سفرها و روابط تجاری را با آفریقا شامل می‌شد و پس از شکل‌گیری جنبش‌ها در شمال آفریقا و کشور لیبی، سیاست‌های کشورهای درگیر تنش تغییر کرده و کشور ایران هرگونه خشونت علیه مردم لیبی را محکوم کرده است.

گفتمان ژئوپلیتیکی ایران در دوران دفاع مقدس نسبت به لیبی مثبت بوده، به گونه‌ای که این کشور برادر لیبی خطاب می‌شده است. در ادامه گفتمان ژئوپلیتیکی دوران سازندگی آمیخته‌ای از توجه به توسعه اقتصادی و سیاسی بود گرچه روابط دو کشور کمرنگ بوده است اما لیبی در جایگاه دوست که از مرکز توجه به دوراست قرار داشت؛ همچنین گفتمان ژئوپلیتیکی در دوران اصلاحات با توجه به بی‌نتیجه ماندن تلاش‌ها برای یافتن امام موسی صدر روابط دو کشور تقریباً به تیرگی گراییده و لیبی به‌عنوان دوست خاکستری در ارتباط با ایران دچار انزوا شد. گفتمان ژئوپلیتیکی دولت اصولگرا به دلیل سیاست جهان سوم گرایی به‌سوی شمال آفریقا و لیبی نیز متوجه بود و درنهایت منجر به شروعی فصلی نو در روابط دو کشور گشت. درنهایت گفتمان تدبیر و امید با توجه به جنبش‌های شکل‌گرفته در منطقه و حساسیت‌ها نسبت به واکنش ایران در منطقه متوازن بوده و سیاست گفتمانی شفاف‌ی اتخاذ نکرده است اما حمایت کامل خود را از مردم کشور لیبی اعلام داشته همچنین لیبی به‌عنوان دشمن موضع خصمانه‌ای نسبت به ایران اتخاذ نکرده بلکه فضایی برای نقش‌آفرینی منطقه‌ای نیز داشته است. با توجه به مطالب ذکرشده می‌توان به اهمیت ژئوپلیتیک هر کشوری پی برد زیرا ادراکی صحیح از شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیکی منجر به شکل‌گیری گفتمان ژئوپلیتیکی قوی گشته که انعکاس آن در سیاست خارجه کشور موجب نقش‌آفرینی مثبت آن کشور در سطح منطقه‌ای و جهانی می‌شود و از سوی دیگر می‌تواند حساسیت سایر کشورها را نیز برانگیزد. کشورهای مانند مصر، لیبی و الجزایر در شمال آفریقا مسبب آن بوده است که شمال آفریقا امروزه اولویت سیاست خارجه ایران قرار گیرد و همچنین سیاست کنونی ایران نسبت به لیبی می‌تواند بی‌طرفانه می‌باشد که سعی بر گسترش روابط در حیطه فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی است.

۷. نتیجه‌گیری

در دیدگاه پست‌مدرن فضا اولویت سیاست کشورها در نظر گرفته‌شده است و همین امر نشان می‌دهد که ایران همچون هر کشور دیگری در جهان، ایران نیز نیازمند قلمروسازی است. این

قلمروسازی در گام نخست درون گفتمان ژئوپلیتیک تعریف جمهوری اسلامی ایران تعریف شده است و تحلیل آن نشان می‌دهد که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره این امر در نظر گرفته شده است. این رویکرد به صورت ویژه در تعریف رفتار سیاست خارجی ایران در قبال سایر بازیگران بین‌المللی و نوع روابط موجود با آنها قابل مشاهده است. از ابتدای روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران منطقه شمال آفریقا همواره یکی از کانون‌های توجه جمهوری اسلامی ایران بوده است و همین مسئله باعث شد که در گفتمان آرمان‌گرایانه در سیاست خارجی ایران توجه زیادی به کشورهای شمال آفریقا نظیر لیبی شود. همین گفتمان ژئوپلیتیکی و اشتراک منافع در دوره نخست (۱۳۵۷-۱۳۶۸) زمینه‌ساز نزدیکی روابط ایران-لیبی شد. اما در دوره‌های بعد تحت تأثیر تغییر رویکرد در سیاست خارجی ایران، کیفیت و کمیت روابط میان ایران و لیبی دستخوش تغییر گردید. در این فرآیند تاریخی روابط طی دو دوره میانی (۱۳۶۸-۱۳۷۶) و (۱۳۷۶-۱۳۸۴) در سطح روابط رسمی با حداقل روابط اقتصادی با لیبی باقی ماند. اما در دوره پایانی (۱۳۸۴-۱۳۹۲) و (۱۳۹۲-۱۴۰۰) به سبب شکل‌گیری انقلاب لیبی و در نهایت سقوط حکومت مرکزی و کاهش منافع ایران در لیبی به سردی کامل گرایید به گونه‌ای که می‌توان گفت در گفتمان ژئوپلیتیکی ایران امروزه لیبی نقش و اهمیت قابل توجهی ندارد. با این وجود، ایران با توجه به رویه انقلابی‌گری و داشتن سیاست‌های تنش‌زدایی، همواره شمال آفریقا را جزء دوست و گاهی جزء دوست کمرنگ و یا دشمن و گاهی دشمن خنثی دانسته است. سیاست ایران نسبت به کشور لیبی که دارای ذخایر فراوان نفت و انرژی بوده و همچنین یکی از بازیگران عرصه مناسبات و رقابت‌های ژئوپلیتیکی جهان از گذشته تاکنون می‌باشد، دارای گفتمان ژئوپلیتیکی همواره متعادل بوده و این کشور به‌عنوان دولتی دوست و مسلمان در شمال آفریقا مدنظر قرار گرفته است. از این رو ایران باید در سیاست خارجی خود لیبی را همیشه به‌عنوان کشوری مهم و دوست، در جهت بسط مناسبات سیاسی و اقتصادی خود در شمال آفریقا در نظر بگیرد.

کتابنامه

1. Agnew, J., & Corbridge, S., (1995). *Mastering space - hegemony, territory and international political economy*. London: Routledge.

2. AhmadiPour, Z., & Rashidi, Y., (2018). A Geopolitical Analysis: Representation of Spaces of Fear in Cinema. 14(50), 21-55. [In Persian]
3. AhmadiPour, Z., & Rashidi, Y., (2020). *Geographical Imagination and Geopolitical Representation*. Tehran: University of Tehran.[In Persian]
4. Ajili, H., & Chadori, Sh., (2014). The role of the United Nations in the Libyan crisis (2011 AD). *Political Science: Journal of Political Studies*, 24, 153-178. [In Persian]
5. Alaei, H., (2012). The role of the UN Security Council in the collapse of the Gaddafi regime. *Summer strategy*, 63(1), 113-140. [In Persian]
6. Alamdar, E., Kolaee, E., (2022). Geopolitical analysis of relations between Iran and Russia after the Islamic revolution with an emphasis on Morgenth's balance of power theory. *Political Geography Research Journal*, 7(1), 1-18. [In Persian]
7. Au.int. (2018). Assembly. In access at: <https://web.archive.org/web/20181129014804/https://au.int/en/organs/assembly> retrieved in 4th April 2023
8. Azarmi, A., (2021). Explaining foreign policy in the theory of the revolutionary system from the perspective of discourse analysis. *Researches of Islamic Revolution*, 10(4),107-135.[In Persian]
9. Aziz zadeh Tasouj, M., Ahmadipour, Z., & Hafeznia, M.R. (2022). An introduction to the concept of peace geopolitical discourse. *Research Journal of Political Geography*, 7(1), 1-27. [In Persian]
10. Claessen, E., (2023). The making of a narrative: The use of geopolitical othering in Russian strategic narratives during the Ukraine crisis. *Media, war & conflict*, 16(1),82-99.
11. Dalby, S. (1990). American security discourse: the persistence of geopolitics. *Political Geography Quarterly*, 21 (9) 171-188.
12. De-Vos, (2003). Discourse theory and the study of ideological (trance) – formation: analyzing social democratic revisionism. *journal of pragmatics*.
13. Echmidt, C., (2017). *The concept of the political matter*. (Jirani, Y., & Namazi, R., Trans.).Goghnoos Publications. [In Persian]
14. Firouzabadi, S.J., (2017). *foreign policy of the Islamic Republic of Iran*; Samt Publications. [In Persian]
15. Howarth, D., (1998). Discourse theory. *scientific research journal of political science*, 1(2), 156-183. [In Persian]
16. <https://akharinkhabar.ir/politics/1640730> retrieved in 4th April 2023
17. IMF. (2022). World Economic Outlook database. In access at: <https://www.imf.org/en/Publications/WEO/weo-database/2022/October> retrieved in 4th April 2023
18. Irna.ir. (2000). <https://www.irna.ir/news/5651607/> retrieved in 4th April 2023

19. Jafari, A.A. & Dian, J., (2016). Diversity of Discourse of Foreign Policy and Aspects of Iran's New Nuclear Diplomacy. *Strategic Researches of Politics*, 5(16), 93-121.[In Persian]
20. Jorgensen, M., & Phillips, L., (2002). Discourse Analysis as Theory and Method, *SAGE Publications Ltd, London EC2A 4 PU*.
21. Kurecic, P., (2008). Nato Enlargment: A,,Geopolitical Vicory of the United States in the Post-Cold War Era? Result and Perspectives,Original Scientific Paper. *Hrvatski Geografski Glasnik*, 25-42.
22. Lombardo, E., & Kantola, J., (2021). *Social constructivism. The Routledge handbook of gender and EU politics*. London: Routledge.
23. Moein-al-Dini, J., & Entezarmahdi, M., (2009). Iranian Foreign Policy 1989-2005. *Daneshnameh*, 2(3)189-216.[In Persian]
24. Moradi, A., & Afzali, R., (2013). New Thoughts in Geopolitics. *Zeitun Sabz Publications*. [In Persian]
25. Nourizadeh, F., & Goodarzi, M., (2021). Investigating the geopolitical and geoeconomic role of energy transit (oil and gas) of the Persian Gulf on Iran's national security. *Islamic World Political Studies, Islamic World Studies Association*, 11(4), 99-120. [In Persian]
26. Oslender, U., (2020). *Antigeopolitics*. In: International Encyclopedia of Human Geography. In access at: <https://www.sciencedirect.com/topics/social-sciences/geopolitical-discourse>.
27. Pourqioumi, A.. (2015). The role of geopolitical factors on Islamic awakening. *Scientific Quarterly of National Security*, 5(18), 145-170. [In Persian]
28. Rashidi, Y., AhmadiPour, Z.,Alemi, A., & Baiat, Moloud. (2020). The Role of Geographical Imagination and Geopolitical Representation in Dividing Space/Place into "our" and "their". *Geopolitics Quarterly*, 16(60),79-100.
29. Rezaeipanah, A., & Shokati Moghareb, S., (2018). Analysis of political discourse (Americanism as a construction), *Tetisa Publications*. [In Persian]
30. Salehizadeh, A.H., (2011). An introduction to Michel Foucault's discourse analysis. *Social cultural knowledge*, 2(11), 113-141. [In Persian]
31. Sarkhil, B., Mohammadi Fard, M., (2018). Islamic-Iranian Model of Relations with Africa. *International Political Research*, No.37, 1-17.[In Persian]
32. Soleimani, R., (2022). Discursive analysis of Thirteen Iranian administration's Foreign policy, *Strategic studies of public policy*. 12(44), 64-87.[In Persian]
33. Soroush, A., & Asgharian, Z., (2011). The Islamic awakening of Libya and the future horizons of the Islamic Republic of Iran, political science: *the journal of religious currents of knowledge in the international arena*, 6(1), 127-156. [In Persian]

34. Su, P., & Huntington, H.P., (2023). Using critical geopolitical discourse to examine China's engagement in Arctic affairs. *Territory, Politics, Governance*, 11(3), 590-607.
35. Un.org. (2022). World Population Prospect. In access at: <https://population.un.org/wpp/> retrieved in 4th April 2023.
36. Unstats.un.org. (2023). Countries or areas / geographical regions. In access at: <https://unstats.un.org/unsd/methodology/m49/#geo-regions> retrieved in 4th April 2023